



## عبدالعظیم حسنی مجرای رسیدن معارف توحیدی و ولایی به ما بوده است

عبدالعظیم حسنی در طول تمام تاریخ شیعه واسطه فیضی میان شیعیان و امام، و مجرای رسیدن معارف توحیدی و ولایی حضرات اولیاء بوده‌اند و همچنان هستند.

عبدالعظیم حسنی در طول تمام تاریخ شیعه واسطه فیضی میان شیعیان و امام، و مجرای رسیدن معارف توحیدی و ولایی حضرات اولیاء بوده‌اند و همچنان هستند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-حمیدرضا میررکنی: معارفی که امروز از امامان شیعه به دست ما رسیده است، همگی رهین زحمات و تلاشهای محدثین و فقهای بزرگی است که شفاهاً و کتباً این میراث عظیم را حفظ و منتقل نموده‌اند. امروز در قالب نرم افزارها و سایت‌ها و نشر گسترده کتب حدیثی و معرفتی، کافی است تا اراده کنیم و کلمه‌ای از کلمات معصوم را بخوانیم و بشنویم. اما چه بسیار شیعیانی که ده‌ها سال حتی در دوران حیات معصوم زیستند، اما به علت بُعد مسافت، جز چند حدیث آن هم بواسطه از معصوم نشنیدند. عمر بسیاری از شیعیان در انتظار، تا شاید مردی از یاران امام به شهر و دیارشان برسد و چند حدیث از امامشان بخواند و دستورات معصوم را به گوششان برساند، پرسش‌های آنان را پاسخ گوید، تا شاید رنج تحمل‌های دشمنان ولایت و طعنه‌های جماعت عامه اندکی تسلی یابد. این مردان برای شیعیان، رنگ و روی امام را با خود داشتند و مردمان بوی امام را از کلمات و سکنت‌های ایشان استشمام می‌نمودند. ناقلان حدیث و فقهای اصحاب، در دوران حیات معصومین میان امام و امت وساطت می‌نمودند، و مردم آنان را همچون واسطه فیض می‌شناختند. موقعیت شیعیان دوران غیبت نیز نسبت به این مردان همین است. ما تمام معارف خود را، و تمام آنچه در پرتو کلمات معصومین از قرآن-همچون اساس معارف دین- فهمیده‌ایم، تحت اشراق نقل‌های این محدثین بدست آورده‌ایم.

۱. یکی از این وسائط فیض، حضرت عبدالعظیم حسنی است. عبدالعظیم بن عبدالله از سادات حسنی بود. پدر بزرگ ایشان علی بن زید بود که در جریان قیام سادات حسنی علیه خلیفه عباسی دستگیر شده و در زندان وفات یافته بود. بخش عمده‌ای از سادات حسنی، همواره فاصله خود را با ائمه علیهم السلام-که از سادات حسینی بودند- حفظ می‌کردند. بودند در میان سادات حسنی کسانی که خود ادعای امامت و ولایت می‌نمودند؛ و حتی ادعای مهدویت میکردند؛ محمد بن عبدالله حسن بن حسن بن علی ابیطالب یکی از مشهورترین این موارد است. بسیاری از سادات حسنی درگیر این تعصبات بودند و تعداد زیادی از شیعیان نیز به آنان می‌گرویدند. پس از امام کاظم علیه السلام و اوج‌گیری تفرقه‌های پی در پی شیعیان در تشخیص امام بعدی، اوضاع شیعیان راستینی که قائل به ولایت صادقین و موسی بن جعفر علیهم السلام بودند هم‌چندان مساعد نبود. با این حال حضرت عبدالعظیم حسنی، نه درگیر تعصبات سادات حسنی بود و نه دچار حیرت اصحاب امامیه در مسئله تشخیص امام. ماجرا پس از شهادت امام رضا دشوار شد، و علما و اصحاب بزرگ امام رضا علیه السلام میباید به ولایت کودکی حدوداً ۹ ساله اقرار می‌نمودند، از او اطاعت میکردند و از آن هم سخت‌تر، مردم را به این اطاعت دعوت مینمودند. چنین موقعیتی میتواند برای همگان لغزشگاهی جدی باشد. اما حضرت عبدالعظیم حسنی که احتمالاً در آن ایام اوقات جوانی را سپری می‌شد؛ نمودند، مومن ممتحن بود و بر ولایت حضرت ماند و نیز در کنار فرزند ایشان امام هادی(ع) از مردان و یاران خاص حضرت شد. تا جایی که در حدیث مشهور عرض دین، حضرت امام هادی علیه السلام هنگام ورود حضرت عبدالعظیم بر امام فرمودند:

«مرحباً بک یا ابالقاسم! انت ولینا حقاً» (خوش آمدی ای ابالقاسم! تو حقاً ولی و دوست مایی).

۲. در میان روایات، تعداد معدودی از روایات حاوی اسم و کنیه تمام امامان شیعه است؛ از امام علی علیه السلام تا حضرت قائم آل محمد ع.ج. از آنجایی که ماجرای امام قائم همواره از امور مخفی شیعه بوده است، ناقلین این روایات افراد خاصی بوده‌اند و هرکسی از سوی امام یا بزرگان اصحاب، اجازه نقل روایت پیرامون امام دوازدهم را نمی‌یافت. مثلاً صفار قمی با وجود اینکه معاصر حضرت عبدالعظیم است و کتاب مفصل او در امامت (بصائر الدرجات) بدست ما رسیده، هیچ حدیثی در خصوص مسئله خطیر غیبت نقل نموده. بخصوص در پژوهش‌های اخیر؛ نظیر پژوهش‌های آقای امیرمعرزی - این مسئله روشن شده است که به احتمال قوی او اجازه نقل این روایات را نداشته است. مرحوم کلینی -که صفار قمی از مشایخ طرق حدیثی او است- هم در باب نادر فی الغیبه و فی حال الغیبه کتاب کافی خود نقلی از صفار نیاورده است، و همینگونه است دیگر آثار که در غیبت نوشته شده‌اند. بنابراین حضرت عبدالعظیم حسنی که در خصوص مسئله مهدویت مجموعاً هشت روایت نقل نموده، و از آن مهم‌تر در روایتی صراحتاً نام امام یازدهم و حضرت حجت را بیان نموده است، میباید دارای جایگاه ویژه‌ای نزد معصومین و مشایخ شیعه باشد. عبیدالله بن

موسی رویانی میگوید حضرت عبدالعظیم پس از نقل این حدیث فرمود: هذا سرّ الله و دینه و دین ملائکته، فسنه الا اهله و اولیاء.

۳. حضرت عبدالعظیم حسنی روایات فراوانی را نقل نموده اند که در عقاید و اعمال شیعیان اثرگذار بوده و هست و ایشان در نقل بعضی از این روایات منحصر به فرداند، بنحوی که اگر ایشان اینها را نقل نمی فرمودند، امروز ما از فیض آن اعمال و آن معارف بی بهره می ماندیم. نظیر چند روایت ایشان در ثواب و فضیلت زیارت حضرت علی بن موسی (ع)، یا روایتی که در آن صلوات بر محمد و آل محمد علت خلت حضرت ابراهیم خلیل معرفی میشود - و از دیگران چنین حکمتی نقل نشده است، - و یا خطبه مشهور عقد نکاح که از امام هادی نقل نموده اند و امروزه از آداب و رسوم رایج شیعیان در مراسمات عقد و عروسی گشته است، و یا دعای رویت هلال ماه رمضان، و نیز حدیث ایمان حضرت ابوطالب که هنوز رافع برخی شبهاست، و همچنین حدیث بسیاری مهمی در فضیلت زیارت حضرت سیدالشهدا در شب ۲۳ رمضان، نیز حدیث مشهوری که از حدود قرن چهارم بدل به قاعده ای فقهی نزد امامیه شد که لاصلا اله الا بطهور (یک قرن پیش از شهرت این حدیث به روایت حماد بن عثمان از زراره، این حدیث به روایت حضرت عبدالعظیم حسنی نقل میشده است).

۴. حضرت عبدالعظیم حسنی حضور محدثین زیادی از اصحاب اهل بیت را درک نموده بود. از میان آنان هشام بن حکم، صفوان بن یحیی و حسن بن محبوب و نیز ابن ابی عمیر جایگاه ویژه &shy; ای داشته &shy; اند؛ بخصوص هشام. نیز از طبقه بعد از عبدالعظیم بن عبدالله، احمد بن محمد بن خالد صاحب المحاسن، سهل بن زیاد و عبدالله بن محمد العجلی و نوفلی از شاگردان ایشان محسوب می شوند. احمد بن محمد بن خالد ماجرای ورود ایشان به ری را نقل کرده است و از تعداد روایاتی که از حضرت عبدالعظیم نقل نموده پیدا است که مدت قابل توجهی را نزد ایشان می رسیده است. البته اتصال طریق کلینی و بسیاری از قمیین از طریق احمد بن مهران به عبدالعظیم حسنی می رسد و بر این اساس باید او را هم جزو شاگردان حضرت عبدالعظیم بشمریم.

حضرت عبدالعظیم حسنی را نه صرفاً به علت آنکه از امامزادگان ما هستند و یا اینکه کراماتی راجع به قبه مطهر ایشان نقل شده است، بلکه از آن جهت که در طول تمام تاریخ شیعه واسطه فیضی میان شیعیان و امام، و مجرای رسیدن معارف توحیدی و ولایی حضرات اولیاء بوده اند و همچنان هستند، باید گرامیشان داشت و عزیزشان شمرد.

السلام علیک یا من بزیرارته ثواب زیاره سیدالشهداء یرتجی

السلام علیک عرف الله بیننا و بینکم فی الجنه و حشرنا فی زمرتکم